

تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

عباس شکاری^{*} MSc

* گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

پژوهشی

چکیده

اهداف: از جمله روش‌های فعالی که امروزه توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، یادگیری مشارکتی است. پژوهش حاضر به منظور بررسی دقیق‌تر تأثیر یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، طراحی و اجرا شد.

روش‌ها: این مطالعه شبه‌تجربی در جامعه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر کاشان در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ روش آموز از دو کلاس یک مدرسه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در گروه آزمایش از روش یادگیری مشارکتی و در گروه کنترل از روش سنتی استفاده شد. پیش‌آزمون قبل از اعمال متغیرهای مداخله و پس‌آزمون پس از اعمال آزمایشی و پیگیری نیز ۴۵ روز پس از اعمال مداخلات انجام شد. برای جمع‌آوری داده از آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی ماتسون استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر به کمک نرم‌افزار SPSS 16 استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمرات گروه آزمایش تفاوت معنی‌داری بین پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون ($p=0.0001$) و همچنین با گروه کنترل ($p=0.0001$) نشان داد. بین دو گروه در رشد مهارت‌های اجتماعی مناسب، کاهش پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، کاهش رفتارهای غیراجتماعی، کاهش میزان غرور و کاهش حساسیت و گوشگیری تفاوت معنی‌دار وجود داشت ($p=0.0001$).

نتیجه‌گیری: روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش‌های سنتی تدریس در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان موثرتر است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، آموختن آموختن با هم، مهارت‌های اجتماعی، روش‌های سنتی یادگیری

Effects of cooperative learning on the development of students' social skills

Shekarey A.* MSc

*Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Abstract

Aims: Cooperative learning is an active learning method that has attracted the attention of educationalists. The purpose of this study was to examine the effects of cooperative learning through small group learning on the development of students' social skills.

Methods: This quasi-experimental study was carried out on male high school students of Kashan during 2009-10. 50 students were randomly selected from two of the 2nd grade classes of a high school in Kashan. The experimental group was taught using cooperative learning techniques, whereas the control group continued in their ordinary traditional method. Pretest was carried out before the intervention and post-test was carried out after implementing the experiment. Follow up was done 45 days after intervention. Data were collected through the *Matson* Evaluation of Social Skills and were analyzed by descriptive statistical methods and variance analysis with repeated measurements using SPSS 16 software.

Results: The mean scores of the experimental group showed significant difference between the pretest and post-test ($p=0.0001$) and also had significant difference with the control group ($p=0.0001$). There was also difference between the social skills of the two studied groups including the reduction of aggressiveness, impulsivity, dissocial behaviors, pride, jealousy and isolation ($p=0.0001$).

Conclusion: Cooperative learning method is more effective in the development of students' social skills compared to traditional learning methods.

Keywords: Cooperative Learning, Small Group Learning, Social Skills, Traditional Learning Methods

مقدمه

مطالعه آنلاینی نیز نشان داد انش آموزانی که در گروههای یادگیری مشارکتی به یادگیری می پردازند، نسبت به کسانی که به طور انفرادی یاد می گیرند، پیشرفت تحصیلی و احساس مسئولیت بیشتری دارند و نسبت به مدرسه نگرش مثبتی پیدا می کنند [۵] و به نظر فضلی خوانی منفعل بودن شاگردان را می توان با استفاده از روش های آموزشی موثر کاهش داد [۶]. یافته های پژوهش او نشان داد که یادگیری مشارکتی در تحریک شاگردان برای بحث و گفتگو پیرامون مسایل ریاضی نقش مهمی را ایفا می کند، البته به شرط این که هنگام اجرای این روش معلم از آمادگی لازم برخوردار باشد و بتواند کیفیت تعاملات داشن آموزان با یکدیگر را بهبود بخشند. در روش یادگیری مشارکتی، وابستگی بین فردی، تعامل افزایشی صورت به صورت و مسئولیت فردی وجود دارد و اعضا را موظف می کند که نسبت به یادگیری هم دیگر حساس باشند و مراقب یادگیری یکدیگر باشند تا گروه بتواند موفق شود. و نیز جانسون و جانسون [۷] و اسلاموین [۸] می گویند که وقتی موقفيت داشن آموزان به کمک و مشارکت سایر اعضای گروه وابسته است، بیشتر به صورت مشارکتی فعالیت می کنند، این مشارکت در فعالیت ها می تواند منجر به رشد اجتماعی داشن آموزان شود، چرا که یکی از مولفه های رشد اجتماعی، مدرسه و نحوه یادگیری داشن آموزان است.

در مورد رشد اجتماعی و نسبت آن با سن فرد می توان گفت که بلوغ اجتماعی یک پدیده مربوط به رشد است و با افزایش سن فزونی می یابد، به طوری که می توان گفت همچنان که کودکان بزرگ می شوند در تنظیم رفتار خود به نحوی هماهنگ با انتظارات جامعه ای که زندگی می کنند، توانایی بیشتری می یابند. کودکان می آموزند که معیارهای جامعه خود را پذیرند، سایق های خود را از راههای که از لحاظ اجتماعی قابل قبول است، بیان یا سرکوب نمایند. نیازهای دیگران را در نظر داشته باشند، اظهار همدردی نمایند، به خاطر دیگران از منافع شخصی خود چشم پوشی کنند و برای به دست آوردن هدفی مهمتر، از لذت فوری چشم پوشی کنند، تا جیک [۹]: اسلاموین [۱۰] به شواهدی اشاره کرده است که نشان می دهد روش یادگیری مشارکتی روابط میان داشن آموزان نزد های مختلف را در کلاس های مختلف بهبود می بخشد. درخصوص تاریخچه یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم باید اذعان داشت، ایده کلی روش یادگیری مشارکتی ساقه های طولانی دارد، اما توسعه برنامه های آموزشی و پژوهش مداری که یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم را در برنامه ریزی، مورد آزمون قرار داده است، تقریباً از اوایل ۱۹۷۰ شروع شده است.

این رویکرد حاصل اندیشه نظریه پردازان و محققانی مانند زارعی، شکاری و علمی علاقمند بودند بدانند که چگونه داشن آموزان از تجربه یاد می گیرند. آنها با این اندیشه که داشن آموزان باید منفعل و تحت تسلط معلم باشند، شدیداً مخالف بودند [۱۱]. یکی از مهم ترین اصل معرفی شده از طرف این دسته از صاحب نظران این است که تجربه

در نظام آموزشی ایران، معلمان با تکیه بر روش های سنتی به ویژه سختناری، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می کنند و علی رغم این که در محافل علمی و تربیتی و حتی اجرایی، صحبت از فعل بودن شاگردان، رشد فکری و آزاداندیشی می شود، اما عمالاً چنین نظر گاه هایی جنبه شعار گونه به خود گرفته، از تقویت روحیه همکاری و رفاقت در بین شاگردان و رشد اجتماعی آنان صحبت می شود. اما در عمل نه تنها گام موثری در این راستا برداشته نمی شود، بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به نوعی رقابت تبدیل شده که نتیجه آن افزایش حس حسادت، کینه توری و دشمنی در بین داشن آموزان است. سبک غالب در اکثر آموزش های کلاس سنتی است به این معنا که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیت های چالش آور مواجه می شوند، فرسته های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان با یکدیگر فراهم می شود، داشن آموزان به یادگیری طوطی وار ترغیب می شوند، رقابت جایگزین همکاری می شود و احتمال خطر جمع گریزی در بین شاگردان افزایش می یابد.

در روش های سنتی معلمان اغلب گوینده بوده و از داشن آموزان انتظار دارند که به صحبت های آنان گوش دهند. بحث گروهی جایگاه چندانی در کلاس درس ندارد و اگر سؤال پرسیده شود، موجب وادار کردن داشن آموزان به تفکر مطالب درسی نمی شود، بلکه بیشتر هدف این است که داشن آموزان از این طریق برای امتحان آماده شوند. تیواری معتقد است از دید کارشناسان تعليم و تربیت، داشن آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می پردازند، نه تنها بهتر فرا می گیرند، بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می برند. زیرا آنها به جای این که شونده صرف باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می دانند [۱]. شفر می گوید، از جمله روش های فعالی که امروزی توجه صاحب نظران تعليم و تربیت را به خود جلب کرده است، یادگیری مشارکتی است. شواهد پژوهشی نشان می دهد بیشتر مسایلی که در روش سنتی و غیرفعال به چشم می خورد، در رویکرد مشارکتی به حداقل می رسد [۲].

به طور نمونه نتایج مطالعه ای که در خصوص مقایسه روش یادگیری مشارکتی و سنتی انجام شد نشان داد که یادگیری مشارکتی، عزت نفس، میزان تمرکز روی تکالیف، لذت بردن از کلاس و مدرسه و عشق به یادگیری را افزایش و وابستگی به معلم را کاهش می دهد [۳]. در مطالعه تیلسنون تحت عنوان تاثیر سه رویکرد یادگیری مشارکتی سازمان یافته، یادگیری مشارکتی غیر سازمان یافته و یادگیری انفرادی بر پیشرفت تحصیلی داشن آموزان دوره ابتدایی، مشخص شد که در شرایط مشارکتی سازمان یافته، پیشرفت تحصیلی داشن آموزان ۵۰٪ بیشتر از شرایط انفرادی است [۴].

پرسشن‌های خود را داشته باشند، یادگیری آنان به اندازه زمانی که به نظرات دیگران دسترسی داشته باشند، پریار نخواهد بود. به علاوه کار انفرادی اغلب در تنها این انجام می‌شود و نهایتاً خسته کننده است [۱۵]. به اعتقاد جانسون و همکاران [۱۶] یادگیری چیزی است که شاگردان انجام می‌دهند، نه چیزی که برای شاگردان انجام می‌شود. بنابراین یادگیری مشارکتی مستلزم مشارکت فعل و مستقیم دانشآموزان است. همانند کوهروردن، دانشآموزان زمانی به قله می‌رسند که جزئی از تیم مشارکتی باشند. در این محيط دانشآموزان از طریق همکاری و مشارکت و در قالب گروه‌ها به یادگیری می‌رسند و در قبل یادگیری دیگران احساس مسئولیت می‌نمایند. زمانی که همکلاسان شان نیاز به کمک داشته باشند، به کمک آنها می‌شتابند و موفقیت دیگران موفقیت آنها و شکست دیگران شکست آنها محسوب می‌شود. این رویکرد موجب یادگیری عمیقت‌تر و خلاقیت و نوآوری بیشتر شاگردان می‌شود [۲]. شعار یک کلاس همیاری این است: "یا همه نجات می‌یابیم، یا همه غرق می‌شویم" در کلاس همیاری دانشآموزان به جای این که معلم را محور اصلی بدانند، به همکلاسی‌های خود به عنوان مرجع بالارزش و مهم نگاه می‌کنند [۱۵]. هیرست و اسلامویک معتقدند در مواقیعیت‌های رقابتی و انفرادی، معلم سعی می‌کند که دانشآموزان را از همدیگر دور کند: "کپی نکنید، در مورد همکلاسنان نگران نباشید، تکالیف خودتان را انجام دهید، میز خودتان را منتقال دهید" این‌ها اصطلاحاتی هستند که به طور معمول به گوش می‌رسند [۱۷]. در حالی که یادگیری مشارکتی به دانشآموزان اجازه می‌دهد که اهداف مشترک‌شان را توسعه دهند. همچنین شاران [۱۸] و هیرست و اسلامویک [۱۹] به نقل از جانسون و جانسون [۱۶] درخصوص تفاوت گروه‌های مشارکتی با گروه‌های معمولی کلاس بیان می‌کنند که یک گروه مشارکتی، ۲ تا ۵ نفر عضو دارد که برای رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر کار می‌کنند.

نادری در بحث مربوط به مزایای به کارگیری مدل یادگیری مشارکتی به مواردی چون رشد عزت نفس دانشآموزان، نگرش مثبت به مواد آموزشی، بهبود رضایت خاطر دانشآموزان، نگرش مثبت به چالش‌برانگیزی بیشتر بدون نامعقول‌سازی میزان کار در مدت معین، فراهم‌سازی درک عمیقت‌تر دانشآموزان و تولید بیشتر و بهتر سوالات اشاره می‌کند [۱۹]. از سوی دیگر قلتاش معتقد است که دانشآموزان در دورشدن از این عادت که تنها معلم را به عنوان منبع داشت و فهمیدن کمک می‌نمایند [۲۰].

اسلامویک در سال ۱۹۹۱ درخصوص تکنیک‌های یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بیان می‌دارد که در جمع‌بندی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه یادگیری مشارکتی، هشت شیوه یادگیری مشارکتی مطرح است که در تازه‌ترین پژوهش‌ها به کار گرفته شده و اثربخشی خود را در دستاوردها نشان داده و مورد تایید قرار گرفته‌اند.

- گروه‌های پیشرفت‌تیمی دانشآموزان (STAD): در این شیوه دانشآموزان به گروه‌های که از ۴ تا ۵ تشکیل می‌شود، تقسیم

بیشترین نقش را در فرآیند یادگیری دارد، به شرطی که همراه با تجزیه و تحلیل منظم و منطقی باشد. از نظر گلزار روش یادگیری مشارکتی روشی است که در آن دانشآموزان به منظور تسلط بر محتوا و مواد آموزشی به صورت گروهی کار می‌کنند. به علاوه اعضای هر گروه از دانشآموزان با موفقیت تحصیلی بالا و متوسط و پایین تشکیل شده است و اعضای هر گروه از نزاده‌ها، فرهنگ‌ها و جنسیت‌های مختلف دانشآموزی است و نظام پاداش به جای فردمدار، گروه‌مدار است [۱۲].

مجموعه شرایط و امکانات زمانی و مکانی معین برای تسهیل در فرآیند یاددهی - یادگیری را محیط یادگیری می‌نامیم، شکاری [۱۳]. قبل از آن که بحث محیط یادگیری مشارکتی ارایه شود، لازم است محیط‌های دیگر یادگیری مانند محیط یادگیری مثبت کارتع و میلبرن که در مدارس به چشم می‌خورد، توضیح و تبیین شود تا تفاوت بین این رویکردها و رویکرد یادگیری مشارکتی مشخص شود که این خود به درک و فهم محیط یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم کمک می‌کند [۱۴]. با توجه به نگرش معلمان و دانشآموزان، انواع محیط‌های یادگیری به چشم می‌خورد که در هر کدام از این رویکردها، نگرش‌های متفاوتی از نقش معلم و دانشآموز وجود دارد به اعتقاد لیس و والن [۱۵] آشناترین و متناول‌ترین محیط، محیط رقابتی است که در این محیط سوالات زیر برای شاگردان مطرح می‌شود: "امسال چه کسی شاگرد اول خواهد شد؟" یا "اگر بخواهم شاگرد اول بشوم، چه کسی را باید زمین بزن؟" شعار یک کلاس رقابتی این است: "اگر تو ببری، من می‌بازم یا اگر من ببرم تو می‌بازی." در این رویکرد دانشآموزان برای یافتن بهترین فرد با هم رقابت می‌کنند. دانشآموزان در این کلاس به خاطر نمره، تحسین، مورد توجه معلم قرار گرفتند، دریافت جایزه و غیره با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در چنین محیطی شاگردان یکدیگر را در سد راه خود می‌دانند. بسیاری از دانشآموزان به کلاس می‌آیند تا خود را بازنشده بینند و در بازی آموزشی شرکت نمی‌کنند. در چنین محیطی حتی برندۀ‌ها هم آسیب می‌بینند.

در محیط انفرادی هریک از دانشآموزان با بقیه تفاوت دارند و موفقیت یا شکست آنها ارتباطی با دیگران ندارد. در نتیجه دانشآموز، خود مسؤول یادگیری خوبش است. این گونه دانشآموزان مشکل ارتباطی پیدا می‌کنند و با هنجرهای حاکم بر جامعه همسان نخواهند بود. اغلب آنها گوشه‌گیر و کمره هستند و گاه به افسردگی دچار می‌شوند. در این کلاس، روش‌های تدریس غیرفعال و سنتی، امکان هماندیشی برای دانشآموزان به وجود نمی‌آورد. این رویکرد، رویکردی است که در آن تاکید روی فرد دانشآموز است که تا رسیدن به هدف تلاش بکند، بدون آن که توجهی به دانشآموزان دیگر داشته باشد، جانسون و جانسون [۱۶]. همان‌طور که پیازه نشان داده است، بیشتر آموخته‌های مهم حاصل تعامل با دیگران است. اگر دانشآموزان در مورد یک کتاب، یک تکلیف و یا یک مساله فقط نظرات، واکنش‌ها و

سلسله فعالیت‌های شناختی، نظری قرائت در حضور همدیگر، بحث در مورد چگونگی نگارش یک داستان، خلاصه کردن داستان، املای کلمه‌ها و لغت‌معنی مشغول می‌شوند، در صورتی که تقسیم کلاس به گروه‌های قرائت همگن نباشد، همه دانش‌آموزان کلاس به منزله یک تیم واحد در جریان یادگیری با یکدیگر مشارکت می‌کنند. در طول ساعت‌های تدریس زبان، دانش‌آموزان به فعالیت‌هایی از قبیل نگارش، اصلاح و پیراستاری آثار یکدیگر و تهیه مقامات انتشار کتاب از سوی تیم مشغول می‌شوند. در اکثر فعالیت‌های روش مذکور، دانش‌آموزان درس را که معلم ارایه کرده است و به صورت تیمی مطالعه کرده و تمرين‌ها و آزمون‌های مربوط به آن را نیز به صورت تیمی انجام می‌دهند.

۵- تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (روش یادگیری مشارکتی جیگ‌ساو I): این روش ابتدا به وسیله آرنسن و همکاران [۲۲] در سال ۱۹۷۸ میلادی طراحی شد. در این روش دانش‌آموزان برای کارکردن روی موضوع درسی که به بخش‌های مختلف تقسیم شده است، تیم‌هایی عنفره تشکیل می‌دهند. برای مثال یک زندگینامه را می‌توان به بخش‌های گوناگون از قبیل سال‌های نخست زندگی، نخستین موقوفیت‌ها، مسایل مهم، باقیمانده سال‌های عمر و نقش شخص مورد نظر در تاریخ زندگی وی را تقسیم کرد. در این روش هریک از اعضاء به مطالعه بخش ویژه خود می‌پردازد، سپس اعضای تیم‌های مختلف که بخش‌های مشترک را مطالعه کرده‌اند، به منظور بحث و بررسی پیرامون مطالب مذکور یک گروه تخصصی تشکیل می‌دهند. پس از آن هریک به تیم خود باز می‌گردد و به منظور آموزش بخش خود به اعضا تیم در نوبت قرار می‌گیرند.

۶- تقسیم موضوع به بخش‌های مشترک (روش یادگیری مشارکتی جیگ‌ساو II): این روش طرح اصلاح‌شده‌ی روش قبلی جیگ‌ساو I است که اسلاموین در سال ۱۹۸۶ آن را ارایه کرد و در برنامه یادگیری دانش‌آموزان گنجانید. در این شیوه دانش‌آموزان به شیوه گروه‌های پیشرفته تیمی و رقابت و مسابقه تیمی در گروه‌های ۴ الی ۵ نفره به کار متشغول می‌شوند. در این روش به جای تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف، کلیه دانش‌آموزان یک مطالب مشترک نظیر یک فصل از کتاب یا یک داستان کوتاه یا یک زندگینامه را مطالعه می‌کنند. در عین حال از هر دانش‌آموز خواسته می‌شود تا در مورد یکی از عنوانین مطلب موردنظر مطالعه عمیق به عمل آورد. آن دسته از دانش‌آموزانی که در مورد یک عنوان مشترک مطالعه کرده‌اند، به منظور بحث و بررسی پیرامون آن گرد هم جمع می‌شوند و گروه‌های تخصصی تشکیل می‌دهند و سپس به منظور تدریس آموخته‌های خود به اعضای دیگر، به تیم‌های خود باز می‌گرددند، در آخرین مرحله هریک از دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت می‌کنند، نمره‌های این آزمون‌ها، براساس سیستم محاسبه نمره‌ها در روش گروه‌های پیشرفت تیمی تعیین می‌شود. گروه‌هایی که حد نصاب نمره را کسب کرده باشند موفق به اخذ گواهینامه می‌شوند.

می‌شوند. در این گروه‌ها دانش‌آموزان از لحاظ جنسیت، نژاد، زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی و تجربیات قبلی و غیره متفاوت هستند. معلم ابتدا درس را ارایه می‌کند و بعد دانش‌آموزان در گروه‌ها به بررسی و مطالعه پیرامون موضوع می‌پردازند. در پایان دانش‌آموزان در آزمون‌های انفرادی شرکت نموده و سپس نمره‌های آزمون دانش‌آموزان با میانگین نمره‌های گذشته آنها مقایسه می‌شود و نمره نهایی براساس پیشرفت آن نسبت به عملکردهای گذشته آنها تعیین می‌شود. سپس نمره‌های فوق جمع‌بندی شده و نمره نهایی گروه را تشکیل می‌دهند. گروه‌هایی که تا سطح خاصی از معیارهای پیشرفت تعیین شده ارتقا یابند، به دریافت پاداش یا گواهینامه و غیره نایل می‌آیند. همه فرآیند فوق، از زمان ارایه درس توسط معلم تا کارهای گروهی و شرکت در آزمون، معمولاً در سه الی پنج جلسه درس انجام می‌شود. [۲۱]

۲- روش مسابقه تیمی یا رقابت و مسابقه تیمی (TGT): در این روش، روش تدریس معلم و کارگروهی کاملاً شبیه روش قبلی است، ولی تفاوت آنها در این است که دانش‌آموزان به جای شرکت در آزمون، در مسابقات هفتگی شرکت می‌کنند. در این مسابقات دانش‌آموزان هر تیم، بهمنظور کسب امتیاز برای تیم خود، با دانش‌آموزان تیم‌های دیگر که دارای سوابق تحصیلی مشابه هستند، در گروه‌های سه‌نفره به رقابت می‌پردازند. بهمنظور عادلانه‌بودن رقابت‌ها، ترکیب گروه‌های سه‌نفره‌ای که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، به تناوب تغییر می‌کند. نمره‌هایی که هر برندۀ برای تیم خود کسب می‌کند، بدون توجه به سطحی که در آن به رقابت پرداخته است، محاسبه می‌شود.

۳- یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم (TAT): در این روش نیز تیم‌های چهارنفره از دانش‌آموزان که در سطح کارآئی متفاوت هستند، تشکیل می‌شود و به تیم‌هایی که عملکرد مطلوب داشته باشند، گواهینامه اعطای می‌شود. با این حال تفاوت‌هایی میان این روش با روش‌های قبل به چشم می‌خورد. برای نمونه در دو روش پیشین، آموزش دانش‌آموزان به صورت جمعی و یکسان ارایه می‌شود، ولی در این روش، یادگیری مشارکتی با آموزش فردی در می‌آمیزد. به علاوه دو روش قبلی برای تدریس بسیاری از موضوع‌ها و در اغلب پایه‌ها مناسب هستند، در صورتی که روش فوق مختص آموزش ریاضیات در پایه‌های سوم تا ششم (یا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر) طراحی شده است.

۴- قرائت و نگارش تلفیقی مشارکتی (CIRC): این روش که در حقیقت برنامه‌ای جامع برای آموزش قرائت و نگارش در سال‌های آخر دوره ابتدایی است، جدیدترین شیوه یادگیری مشارکتی به شمار می‌رود. در این روش، معلمان به شیوه برنامه‌های سنتی، از تشکیل گروه‌های قرائت استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را به تیم‌های مختلف که از دو جفت دانش‌آموز تشکیل شده است، تقسیم می‌کنند. هنگامی که معلم به آموزش یکی از تیم‌ها اشتغال دارد، تیم‌های دیگر به یک

داننهای نمرات آزمودنی با مقایسه لیکرت شاخص‌های ۵ درجه‌ای از "هرگز" با نمره ۱ تا "همیشه" با نمره ۵ و نیز ۵ مقایس فرعی از جمله مهارت‌های اجتماعی مناسب تا عامل حسابات/گوشی‌گیری یا انزواطابی محاسبه شده است. یوسفی و خیر [۲۴] روایی افتراقی و پایایی مقایس مهارت‌های اجتماعی را برای مطالعات روان‌سنجی قابل قبول ارزیابی می‌کنند. ماتسون و همکاران برای بررسی پایایی مقایس مهارت‌های اجتماعی از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کردند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف به دست آمده برای کل مقایس یکسان و برابر ۸۶٪ بود.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین نمرات و انحراف معیار استاندارد) و روش‌های آمار استنباطی (آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر) مبتنی بر نرم‌افزار SPSS 16 استفاده شد.

نتایج

میانگین نمرات گروه آزمایش تفاوت معنی‌داری بین پس‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون ($p=0.0001$) و همچنین با گروه کنترل ($p=0.0001$) نشان داد (جدول ۱).

جدول ۱) میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری
۱	۷۳/۲۱±۱۲/۴۰	۵۲/۴۰±۱۱/۳۱	۷۰/۸۶±۱۱/۶۸
۲	۵۱/۷۵±۱۱/۰۲	۵۲/۱۲±۱۱/۱۰	۵۱/۸۹±۱۱/۰۴

جدول ۲) جدول بررسی معنی‌داری تفاوت بین گروهی و درون‌گروهی گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای مختلف (در همه موارد ($p=0.0001$))

F	آماره	مجموع	منبع	متغیر		آماره	مجموع	منبع	متغیر	آماره	مجموع	منبع	متغیر
				مجذورات	درجه								
مهارت‌های اجتماعی مناسب													
۱۳۳۵۰	۴۳۸۱۱۱/۶۱	۱	درون‌گروهی	۴۳۸۱۱۱/۶۱	۱								
۷۳/۴۶	۲۴۱/۰/۸۱	۱	بین‌گروهی	۲۴۱/۰/۸۱	۱								
-	۳۷/۸/۲	۴۸	خطا	۱۵۷۵/۰/۸									
۱/۵۸	۱۷۶۴۸۴/۰/۱۰	۱	درون‌گروهی	۱۷۶۴۸۴/۰/۱۰	۱								
۱۱۱/۹۲	۱۲۴۶/۰/۹۰	۱	بین‌گروهی	۱۲۴۶/۰/۹۰	۱								
-	۱۱/۱۳۳	۴۸	خطا	۵۳۴/۰/۰									
۱۶۱۷۰	۱۹۲۳۶۹/۹۶	۱	درون‌گروهی	۱۹۲۳۶۹/۹۶	۱								
۶۲/۱۷	۷۷۹/۸/۴	۱	بین‌گروهی	۷۷۹/۸/۴	۱								
-	۱۱/۹/۰	۴۸	خطا	۵۷۱/۰/۰									
۲/۴۳	۳۳۲۶۹/۷/۶	۱	درون‌گروهی	۳۳۲۶۹/۷/۶	۱								
۱۴/۷۶	۲۰۱/۰/۶۴	۱	بین‌گروهی	۲۰۱/۰/۶۴	۱								
-	۱۳/۶/۵۸	۴۸	خطا	۶۵۵/۰/۰									
۵۶۹۷	۱۰۱۷۶۱	۱	درون‌گروهی	۱۰۱۷۶۱	۱								
۲۶/۱۱	۴۶۶/۵/۶	۱	بین‌گروهی	۴۶۶/۵/۶	۱								
-	۱۷/۸/۶۳	۴۸	خطا	۸۵۷/۰/۰									
رابطه با همسالان													

۷- روش آموختن با هم: این شیوه را جانسون و جانسون در سال ۱۹۸۷ ابداع نموده‌اند. در این روش دانش‌آموزان از طریق آموختن با هم در گروه‌های ناهمگن ۴ تا ۵ نفر مشغول انجام تکالیف خود می‌شوند. نتایج کار گروهی روی یک ورقه منعکس می‌شود و مبنای دریافت نمره یا پاداش گروهی، همین کار مشترک است. محور اصلی موفقیت در این روش، یادگیری مشارکتی، فعالیت‌های درون‌گروهی مشترک و تشکیل جلسه‌های مباحثه منظم درباره چگونگی بهتر انجام دادن یک کار گروهی است. شکاری و همکاران تحقیقی پیramon روش آموختن با هم، روی فرآگیران زبان انگلیسی با روش نیمه‌تجربی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد روش از طریق آموختن با هم یا آموختن با هم نسبت به روش‌های حفظی، سخنرانی و غیره بر یادگیری و آموختش زبان خارجی تاثیر عمیق‌تری دارد [۲۳].

۸- روش پژوهش گروهی: این روش به‌وسیله شلوموشواران و بیل‌شاران در دانشگاه تلاویو طراحی شد. این روش در اصل یک طرح عمومی اداره کلاس درس است که بر طبق آن دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، با استفاده از روش‌های پژوهش مشارکتی، بحث‌های گروهی و برنامه‌ریزی مشارکت فعالیت می‌کنند. در این روش دانش‌آموزان به گروه‌های ۲ تا ۶ نفر تقسیم می‌شوند. پس از انتخاب عنوان مورد مطالعه، هر گروه آن را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند و هر بخش را یکی از اعضاء مطالعه می‌کند، در آخرین مرحله هریک از گروه‌ها مجموع آموخته‌ها و یافته‌های خود را به صورت یک کار گروهی به بقیه کلاس ارایه می‌دهند. پژوهش حاضر به منظور بررسی دقیق‌تر تاثیر یادگیری مشارکتی از طریق آموختن با هم بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، طراحی و اجرا شد.

روش‌ها

این مطالعه شبه‌تجربی با روش پیمایشی در جامعه دانش‌آموزان پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهر کاشان که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند انجام شد. مدارس متوسطه غیرانتفاعی و شاهد مشمول طرح نبودند. از میان ۳۲ مدرسه متوسطه دولتی پسرانه و ۱۸۰ کلاس پایه دوم (در مجموع ۵۰۶۴ نفر)، ۲ کلاس به عنوان نمونه آماری مجموعاً متشکل از ۵۰ دانش‌آموز پایه دوم دبیرستان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. یک کلاس شامل ۲۵ دانش‌آموز به عنوان گروه آزمایش بهمدت ۱۶ جلسه با روش یادگیری مشارکتی آموختش دیدند. در حالی که کلاس دیگر با ۲۵ دانش‌آموز به عنوان گروه کنترل همچنان با روش‌های سنتی و غیرفعال آموختش دیدند. پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از هر دو گروه به عمل آمد. پیش‌آزمون قبیل از اعمال متغیرهای مداخله و پس‌آزمون پس از اعمال آزمایشی و پیگیری نیز ۴۵ روز پس از اعمال مداخلات، انجام شد. برای جمع‌آوری داده از آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی ماتسون استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۵۶ سؤال است که مهارت‌های اجتماعی مورد نظر این پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دهند.

بین گروه آزمایش و کنترل از نظر "مهارت‌های اجتماعی مناسب"، "رفتارهای غیراجتماعی"، "پرخاشگری و رفتارهای تکانشی"، "میزان غرور" و "رابطه با همسالان" تفاوت معنی‌دار وجود داشت ($p=0.001$). جدول ۲.

بحث

منظور از مهارت‌های اجتماعی در این پژوهش مولفه‌هایی چون مهارت‌های اجتماعی مناسب داشن‌آموزان، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، میزان برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و میزان رابطه با همسالان (حسادت و گوشه‌گیری) که از طریق آزمون رشد مهارت‌های اجتماعی ماتسون مورد سنجش قرار می‌گیرد. به این ترتیب عامل اول شامل مهارت‌های اجتماعی مناسب است که رفتارهایی از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران که به قول پازارگادی برای کسانی که با شنیدن بهتر یاد می‌گیرند، استفاده از یادگیری مشارکتی مناسب است و موبد بودن، به کاربردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل به طریق مفید و موثر را در بر می‌گیرد [۲۵]. عامل دوم جسارت نامناسب است که رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک‌کاری، خوردگرفتن بر دیگران، ایجاد صدای ناهنجار و ناراحت‌کننده و زیرقوی‌زدن را شامل می‌شود. عامل سوم تکان‌شی عمل کردن و سرکشیدن است که رفتارهایی از قبیل به آسانی عصبانی شدن یا یکدندگی و لجیازی را در بر دارد. عامل چهارم غرور است که در بردارنده رفتارهایی همانند بهخودنارازیدن و به دیگران پزدادن، تظاهر به داشتن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن و نهایتاً عامل پنجم نیز حسادت- گوشه‌گیری و رابطه با همسالان است که در بردارنده تنهایی و حسادت و گوشه‌گیری است.

در این پژوهش، یادگیری مشارکتی برای عامل مربوط به مهارت‌های اجتماعی یعنی مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، میزان غرور، رابطه با همسالان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج این مطالعه، بین تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل از لحاظ مهارت‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری نشان داد که با عناصر یادگیری از طریق آموزش آموختن با هم فرآیند گروهی، مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌فردی، تعامل پیش‌رونده و وابستگی مثبت درونی از مدل یادگیری مشارکتی جانسون و جانسون مطابقت دارد.

نتایج این مطالعه با نتایج به دست آمده از محققانی چون گلیز [۱۲]، جانسون [۱۶]، اسلاموین [۸]، کوهن [۲۶]، قدرتی [۲۷]، قربانی [۲۸]، کرامتی [۱۰]، قلتاش [۲۰]، تاجیک [۹] و غیره همخوانی دارد و همه تایید می‌کنند که یادگیری مشارکتی، زمینه مناسبی را برای رشد مهارت‌های اجتماعی و همدلی با دیگران به‌ویژه در محیط‌های آموزشی فراهم می‌سازد و رفتار مخل نظم را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد، احساس مثبت شاگردان را نسبت به یکدیگر و نسبت به خود

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب نتایج تحقیق نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی باعث افزایش رشد مهارت‌های اجتماعی مناسب، کاهش پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، کاهش میزان غرور و کاهش حسادت و گوشه‌گیری در داشن‌آموزان شد. بنابراین این پژوهش اثبات می‌کند که یادگیری مشارکتی باعث رشد مهارت‌های اجتماعی داشن‌آموزان می‌شود.

- 16- Jonson D, Jonson RT. Cooperative learning. Washington: College of Education and Human Development; 2001.
- 17- Hires L A, Christy S. Effective language education practices and native language survival. Northern Arizona: Northern Arizona University; 2008.
- 18- Sharan Y. Cooperative learning for academic and social gains: Valued pedagogy, problematic practice. Eur J Educ. 2010;45(2):300-13.
- 19- Naderi E, Saif N. Research methods and evaluation of how the human sciences. Tehran: Tehran Office of Research and Publications; 2001. [Persian]
- 20- Qltash A. Effects of cooperative learning and social skills of male students in grade five elementary Korean [dissertation]. Tehran: Tarbiyat Moallem University; 2004. [Persian]
- 21- Fazli Khani M. Active teaching methods in breeding programs. Tehran: Deputy Farm, Harbinger Training Institute; 2001. [Persian]
- 22- Aronson E. The jigsaw classroom. Beverly: Sage Publications; 1987.
- 23- Shekarey A, Zaree A, Jalaly M. The effects of cooperative learning and group learning experiences on the development of social skills. Dokuz: Eylel University; 2009.
- 24- Yousefi F, Good M. Reliability and validity of measuring and comparing the performance of boys and girls social skills. Shiraz: Social Sciences and Humanities of Shiraz University; 2002. [Persian]
- 25- Pazargady M. Colleagues, learning styles and their application. J Educ Strategies. 2010;3(2):1-5. [Persian]
- 26- Cohen S, Willis T. Streets and social support and the buffering hypothesis. Psychol Bull. 1985;98:310-57.
- 27- Ghodraty M. Compared the effects of cooperative learning with individual learning in the memory, the understanding, analysis, assessment and information science faculty teach fifth grade students in Qom [dissertation]. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2001. [Persian]
- 28- Ghorbani L. Compared the effects of cooperative learning with traditional learning on the academic achievement of English language teaching third grade students [dissertation]. Tehran: Allameh Tabatabaei University; 2001. [Persian]

منابع

- 1- Tiwari D. Encyclopedic dictionary of education. Delhi: Roshan Offset Printers; 2008.
- 2- Shafer G. Supporting self-directed learners and learning communities with sociotechnical environments. RPTEL. 2008;11(1):1-27.
- 3- Whicher KM, Unnery JA. Cooperative learning in the classroom. J Educ Res. 2008;91(1):11-7.
- 4- Tileston DW. Best teaching practices. USA: Corwin Press; 2000.
- 5- Onwueibezie A. Relationship between peer orientation and achievement cooperative learning-based research. J Educ Res. 2001;94(3):164-70.
- 6- Fazli Khani M. Collaborative learning and practical guide. Tehran: School Publication; 2001. [Persian]
- 7- Jonson D, Jonson RT. J Educ. Making cooperative learning work. Theor Pract. 1999;38(2):67-7.
- 8- Aslavyn R. Summarized the research on collaborative learning. Faghhihi F, translator. J Educ. 1992;2:30. [Persian]
- 9- Tajik A. Compared the effects of cooperative learning and individual learning and achievement in scientific information memory third-grade students [dissertation]. Tehran: Azad University of Tehran; 2004. [Persian]
- 10- Karamati M. Studied the effect on the growth of collaborative learning social skills and mathematics achievement of fifth grade elementary students in Mashhad [dissertation]. Tehran: Trbiyat Modarres University; 2002. [Persian]
- 11- Shekarey A, Zare A, Elmehi L. The effects of giving and receiving grammar feedback on writing accuracy. Malaysia: Malaysian English Language Teaching Association; 2011.
- 12- Gilles M. The effective of cooperative learning on junior high school students during small group learning. Lincoln: University of Nebraska; 2003.
- 13- Shekarey A. Advanced methods of teaching senior school curriculum booklet. Tehran: Madrese Publication; 2008. [Persian]
- 14- Kart M. Social skills training to children, the translator's comments. 3rd ed. Tehran: Razavi Publication; 1996. [Persian]
- 15- Alice W. Understanding learning through collaboration and successful. Malekan A, translator. Tehran: Ney